



آنتوان دو سنت اگزوپری؛ خالق شازده کوچولو

آنتوان دو سنت اگزوپری، فرزند سوم ژان دو سنت‌اگزوپری بود و در ۲۹ ژوئن سال ۱۹۰۰ در شهر لیون به دنیا آمد. این نویسنده شرناساس اهل فرانسه به خاطر کتاب شازده کوچولو شهرت بسیار کسب کرد. در ۱۹۴۳ شاهکار سنت‌اگزوپری به نام شازده کوچولو Le Petit Prince انتشار یافت که حوادث شگفت‌انگیز آن با نکته‌های قبیق و عمیق روانی همراه است. شازده کوچولو یکی از مهم‌ترین آثار اگزوپری به شمار می‌رود که در قرن اخیر سومین کتاب پرخواننده جهان است. این اثر از حادثه‌ای واقعی مایه گرفته که در دل شن‌های صحرای موریتانی برای سنت اگزوپری روی داده است. خرابی دستگاه هواپیما خلیان را به فرود اجباری در دل آفریقا وامی‌دارد و از میان هزاران ساکن منطقه؛ پسرچپهای با رفتار عجیب و غیرعادی خود جلب توجه می‌کند. پسرچپ‌های که اصلا به مردم اطراف خود شباهت ندارد و پرسش‌هایی را مطرح می‌کند که خود موضوع داستان قرار می‌گیرد. شازده کوچولو از کتاب‌های کم‌نظیر و شاهکاری جاویدان است که در آن تصویرهای ذهنی با عمق فلسفی آمیخته است. او این کتاب

را در سال ۱۹۴۰ در نیویورک نوشته است. او در این اثر خیال‌انگیز و زیباییش که فلسفه دوست داشتن و عواطف انسانی در خلال سطرهای آن به ساده‌ترین و در عین حال ژرف‌ترین شکل تجزیه و تحلیل شده و نویسنده در سرتاسر کتاب کسانی را که با غوطه ور شدن و دل‌بستن به مادیات و پایبند بودن به تعصب‌ها و اندیشه‌های خرافی بی‌جا از راستی و پاکی و خوی انسانی به دور افتاده‌اند، زیر نام آدم بزرگ‌ها مسخره کرده است. گفتنی است او در ۲۱ ژوئیه ۱۹۴۴ درگذشت.

محمد حقوقی؛ منتقد ادبی

محمد حقوقی در ۱۳ اردیبهشت ۱۳۱۶ در اصفهان به دنیا آمد. عمده آثار این شاعر و منتقد ادبی معاصر در نقد و معرفی شاعرانی نظیر نیما یوشیج، سهراب سپهری، احمد شاملو، مهدی اخوان ثالث و فروغ فرخزاد بوده‌است. سال‌های دبستان و دبیرستان خود را در زادگاهش اصفهان گذراند. علاقق و کنجکاوی‌های ادبی از همان سال‌های دبیرستان بسا او بود.
بویژه آنکه محیط خانوادگی در مدار فرهنگ و ادبیات بود. سال ۱۳۳۷ بعد از امتحانات معمول وارد دانشسرای عالی شد که از سال بعد به دانشکده ادبیات تغییر یافت.
محمد حقوقی در این دوره از کلاس‌های درس استادانی همچون جلال‌الدین همایی، دکتر محمد معین، دکتر پرویز ناتل خانلری و دکتر محمد مقدم به‌رمند می‌شود.
نخستین سروده‌هایش در سال ۳۸ و ۳۹ منتشر می‌شود و در همین سال‌هاست که با نادر نادپور، سیمین بهبهانی، سیاوش کسرایی، منوچهر آتشى و بهرام صادقی آشنا می‌شود و مرادوه ادبی با آنها شکل می‌گیرد که سال‌های سال ادامه می‌یابد. بعد از اتمام تحصیلات

در دانشسرای عالی به اصفهان می‌رود و در سال ۱۳۴۱ تدریس را در دو دبیرستان مهم آن زمان اصفهان آغاز می‌کند و با محافل ادبی شهر ارتباط نزدیک تری برقرار می‌کند. آشنایی با انجمن ادبی صائب و حمید مصدق سرآغاز دیگری از فعالیت‌های ادبی محمد حقوقی است زیرا روحیه نوجویی حقوقی باعث می‌شود حلقه‌ای از جوانان آن روزگار گرد آهم آیند و با طرح مباحث جدید ادبیی به نو آوری‌ها در ادبیات بپردازند.
در ادامه تدریس و فعالیت‌های ادبی محمد حقوقی، مقاله مهم «کی مرده کی بجاست» را در سال ۱۳۴۵ ودو سال بعد مقاله دیگری با عنوان «از سرچشمه تا مصب » را می‌نویسد . این دو مقاله به شیوه‌ای عمیق به آسبش نشاس شعر معاصر ایران می‌پردازد. این دو مقاله به همراه مقالات دیگر حقوقی از جمله مقاله «از نشان دادن تا شعر» از مطرح ترین مباحث شعر معاصر ایران در طول چندین دهه است که هنوز پس از گذشت چهل و سه سال در نقد شعر معاصر ما کاربرد دارد .
در سال ۱۳۵۱ مجموعه دیگری از سروده‌های حقوقی با عنوان «شرقی‌ها» منتشر می‌شود.محمد حقوقی هشتم تیرماه ۱۳۸۸ در زادگاه خود اصفهان در گذشت.



محمد حقوقی در ۱۳ اردیبهشت ۱۳۱۶ در اصفهان به دنیا آمد. عمده آثار این شاعر و منتقد ادبی معاصر در نقد و معرفی شاعرانی نظیر نیما یوشیج، سهراب سپهری، احمد شاملو، مهدی اخوان ثالث و فروغ فرخزاد بوده‌است. سال‌های دبستان و دبیرستان خود را در زادگاهش اصفهان گذراند. علاقق و کنجکاوی‌های ادبی از همان سال‌های دبیرستان بسا او بود.
بویژه آنکه محیط خانوادگی در مدار فرهنگ و ادبیات بود. سال ۱۳۳۷ بعد از امتحانات معمول وارد دانشسرای عالی شد که از سال بعد به دانشکده ادبیات تغییر یافت.
محمد حقوقی در این دوره از کلاس‌های درس استادانی همچون جلال‌الدین همایی، دکتر محمد معین، دکتر پرویز ناتل خانلری و دکتر محمد مقدم به‌رمند می‌شود.
نخستین سروده‌هایش در سال ۳۸ و ۳۹ منتشر می‌شود و در همین سال‌هاست که با نادر نادپور، سیمین بهبهانی، سیاوش کسرایی، منوچهر آتشى و بهرام صادقی آشنا می‌شود و مرادوه ادبی با آنها شکل می‌گیرد که سال‌های سال ادامه می‌یابد. بعد از اتمام تحصیلات



روزنامه‌بازی

روزنامه جمهوری اسلامی



تیتسر اول روزنامه جمهوری اسلامی به

سخنان رهبری در دیدار خانواده‌های معظم شهدای هفتم تیر، اعضای شورای عالی قضایی و مسئولان دستگاه قضای اختصاصی داشت: «انتظار اسلام و مردم این است که دستگاه قضایی با هر گونه ظلمی برخورد کند».

رهبر انقلاب همچنین گفته بودند: «اگر دستگاه قضایی از سلامت برخوردار نباشد، دیگر دستگاه‌های کشور، اگر چه سالم هم باشند، به تدریج به فساد خواهند گرایید».

طرح روز

لاله ضیایی



نابودی جنگل‌ها

فناوری

ماهواره کوچک ناسا راهی مدار ماه شد

ناسا یک ماهواره کوچک را با یک ماوریت بزرگ به فضا فرستاد. ماهواره‌ی کیستون وارد مداری از ماه می‌شود که پیش از این هرگز امتحان نشده بود و ناسا می‌خواهد از آن برای بررسی محل قرارگیری پایگاه‌های فضایی آینده استفاده کند. به گزارش ایسنا، این ماهواره توسط شرکت راکتبل که در نیوزلند مستقر است سوار بر یکی از موشک‌های الکترون این شرکت به فضا پرتاب شد. ماهواره کیستون یک تاسواره است که برای بررسی مدار ایستگاه فضایی دروازه ماه ناسا به فضا پرتاب شد. هدف، ارسال این ماهواره به مداری خاص به نام NRHO است. این مدار پیچیده طی یک بازه زمانی هفت روزه برخی مواقع ماهواره را به ماه نزدیک و برخی مواقع از آن دور می‌کند. این مدار که برای قرار دادن پایگاه فضایی دروازه ماه در نظر گرفته شده است، مداری پایدار است که با نیروی کمی حفظ می‌شود با این حال پیش از این هرگز مورد استفاده قرار نگرفته است و بنابراین این تاسواره برای آزمایش آن به ماه فرستاده شد. موشک شرکت راکتبل این تاسواره را شش روز دیگر در فضا آزاد می‌کند و پس از آن ماهواره کیستون سفر چهار ماهه خود را به مدار ماه آغاز می‌کند. این ماهواره کوچک برای مدت شش ماه در مدار ماه باقی ماند و به جمع‌آوری داده می‌پردازد. مواردی که علاوه بر مدار مورد بررسی قرار خواهند گرفت، فناوری‌هایی برای ماموریت‌های بعدی به ماه همچون برقراری ارتباط با زمین و سیستم ناوبری فضاپیما به فضاپیما خواهد بود.

مردم‌سالاری

روزنامهٔ اجتماع– **سیاسه**– **فرهنگ** و **اقتصادی**
صاحب امتیاز: حزب مردم سالاری
مدیرمسئول:مصطفی کواکبیان
نشانی اینترنتی:www.mardomsalari.net
نشانی تلگرام:mardomsalari
نشانی اینستاگرام:mardomsalari
آدرس تحریریه: اتوبان شیخ فضل‌الله نوری شمال به جنوب
خروجی خیابان سازمان آب – خیابان حاجی‌پور امیر – کوچه چهارده – پلاک ۱
تلفن: ۲۹–۸۸۲۸۲۴۶
فکس: ۸۸۲۴۳۰۹۴
رتبه روزانه:۳
جابه: نشر رحمان- تلفن: ۶۵۶۰۷۹۱۷

اتان صبح: ۴۰۲ طلوع آفتاب: ۵:۵۱ اتان‌ظهور:۱۳:۰۸ اتان مغرب: ۴:۴۴
چهارشنبه تیر ۱۴۰۱ ۲۹ ذی‌ال‌حجده ۱۴۴۴ ۲۳ ژوئن ۲۰۲۲ شماره ۵۷۹

داستانی‌ها

اثربخشی «برگ‌بو» در تسکین دردهای عصبی و دفع سنگ کلیه



دم کرده برگ‌بو خاصیت ضد تشنج دارد و برای تسکین دردهای عصبی و عضلانی مؤثر و دم کرده میوه آن برای دفع سنگ کلیه اثربخش است.

مدیر مرکز خدمات تخصصی گیاهان دارویی جهاد دانشگاهی خراسان جنوبی گفت: برگ‌بو بسا نام‌های دیگر درخت غار، باهشتان، مازربون، دفته و حبالغار، گیاهی است که خاصیت ضد باکتری و ضد قارچ دارد و برگ و میوه آن مورد استفاده دارویی قرار می‌گیرد. وی با اشاره به اینکه برگ بو در هضم غذا مؤثر است و در موارد سرفه شدید، دم‌کرده آن اثربخش است، افزود: از برگ آن به عنوان چاشنی و معطر کننده فرآورده‌های غذایی استفاده می‌شود.

مهندس راغ‌آرا افزود: دم‌کرده برگ آن خاصیت ضد تشنج دارد و برای تسکین دردهای عصبی و عضلانی مؤثر است؛ همچنین دم‌کرده میوه آن برای دفع سنگ کلیه اثربخش است. به دلیل وجود ویتامین ۸، این گیاه در پیشگیری از سرطان ریه و دهان اثربخش است و سوخت‌وساز بدن را تنظیم کرده و عملکرد سیستم ایمنی را بهبود می‌بخشد.

مدیر مرکز خدمات تخصصی گیاهان دارویی جهاد دانشگاهی خراسان جنوبی با بیان اینکه برگ‌بو، ادویه‌ای خوشبو حاوی املاح مس، پتاسیم، کلسیم، آهن، روی و منیزیم است و در بیماران دیابتی کاربرد دارد، بیان کرد: مصرف آن به سلامت و بهبود عملکرد معده کمک می‌کند؛ به دلیل وجود اسیدفولیک از بسروز نقص در جنین جلوگیری کرده و به دلیل وجود آهن در خون‌سازی بدن نقش دارد و همچنین برای جلوگیری از تخمیر غذا در معده مفید است.

میزان مصرف برگ‌بو، روزانه ۳ نوبت و هر نوبت ۲ گرم به صورت دم‌کرده است. زنان باردار نباید از این گیاه استفاده کنند و از مصرف بیش از حد مجاز و توصیه‌شده، خودداری شود.

داستان هفته

ساعات نا امیدی

علی‌یار زارعی



تصادف هولناکی رخ می‌داد، برای او ترمز گرفتن مشکل بود، به جایی رسیده بود که سمت چپ دره بود و رو به رو شکافی در کوه همچون تونلی که اگر در آن می‌رفت در امان می ماند.

فرمان که چرخانده شد ماشین به سمت تونل رفت. پای راننده که روی پدال ترمز رفت ماشین ازحرکت ماند اما سرعت زیاد توان راننده را در کنترل ماشین کم کرد، ماشین با چرخشی به دور خود واژگون شد و به همان حال ماند.

زمانی گذشت تا به یاد آورد که چه شده و چه اتفاقی افتاده، نمی‌دانست کجاست و ماشین در چه حالی است. او که پشت فرمان نشسته بود، او که کمربند ایمنی بسته بود حالا در گوشه‌ای دیگر زیر ماشین بود. سعی کرد تکلیی به خود بدهد و از زیر ماشین در بیاید اما نمی‌توانست. هیچ‌کس نبود تا به کمکش بیاید. هیچ‌کس در آن دور و بر نبود، تا فریادش را بشنود.

یاد موبایلش افتاد. می‌توانست با موبایل به هرجایی زنگ بزند و کمک بخواهد. دستش که دراز شد تا جیبش، ناامیدانه بیرون آمد، موبایل در جیبش نبود. شاید درهمان غلت خوردن ماشین از جیبش افتاده بود. ناامیدتر از پیش شد، فکر کرد دیگر امیدی به نجاتش نیست و باید در همین جا، در همین گوشه تنهایی، بی‌فریادرسی بماند تا از تشنگی و گرسنگی بمیرد.

حالا کم کم درد را حس می‌کرد، دردی که از کنشاله رانش تیر می‌کشید، کشیده می‌شد تا کمرش. پاهایش را نمی‌توانست تکان دهد. گویا در زیر بارسنگینی بودند، اما دستانش رها بودند، دستانی که با آن‌ها هیچ‌کاری نمی‌توانست بکند.

از خانه که بیرون زده بود صبح بود و خورشید در گوشه‌های آ آسمان. اما حالا خورشید به نیمه رسیده بود، گرمای خورشید و تابش آفتاب که بر چهره‌اش می‌تابید، دانه‌های درشت عرق را بر پیشانی‌اش می‌نشاند.

احساس تشنگی می‌کرد، زبانش را به دور دهانش چرخاند تا با نم دهانش لب‌هایش را تر کند. صدای رفت وآمد ماشین‌ها را می‌شنید. صدایشان را هنگامی که با سرعت از پیچ جاده می‌گذشتند می‌شنید،می‌خواست فریاد بزند، می‌خواست تا همه توان و نیرویی که در بدن داشت فریاد بزند اما می‌دانست که صدایش به جایی نمی‌رسد.

می‌دانست که در آن سر و صداها و بوق زدن‌ها کسی صدایش را نمی‌شنود. به همان حال ماند. سعی کرد راه حلی پیدا کند اما چه راه حل؟ در سکوتی که لحنه‌ای کوتاه و گذرا بر کوهستان سایه انداخت صدای ماشینی شنید، ماشینی که به او نزدیک می‌شد، نور امیدوی در دلش روشن شد. لیخنندی شادمانه لب‌هایش را به بازی گرفت. گویا ماشینی در فاصله‌ای نه چندان دور از او ایستاده بود، صداها را می‌شنید، صدای آدم‌ها را. گوش‌هایش را مالید تا صداها را بهتر بشنود. صدای دو مرد بود، حرف‌هایشان را نمی‌فهمید، نمی‌توانست بشنود که چه می‌گویند،اما صدایشان را می‌شنید. نمی‌دانست کجا هستندند خیلی دورتر از او و او نزدیک به او. امید داشت که آن‌ها جلوتر بیایند. آن قدر جلو که وقتی او فریاد می‌زند وقتی او با فریادش کمک می‌خواهد به یاری‌اش بیایند و نجاتش دهند.

پژواک صدایی در کوهستان پیچید. صدایی که همه کوهستان را درنوردید و باز به آن‌ها برگشت گویا یکی از آن‌ها صدایی از گلو بیرون آورده بود، صدایی مانند فریاد صدایی مانند هو... گاهی صداها نزدیک می‌شد. آن قدر نزدیک که فکر می‌کرد، حتی صدای نفس‌هایشان را می‌شنود. آن وقت بود که دلش می‌خواست فریاد بزند، اما صداها کم می‌شد نم به دلش چنگ می‌زد. صدای دور شدن ماشین‌ها را که شنید، همه امیدش بر باد رفت، کورسوی امیدی که در دلش روشن شده بود خاموش شد، احساس ناخوشایندی در رگ و بی‌اش دویید. احساس مرگ، مرگ در تنهایی. فکر کرد هیچ مرگی بدتر از مرگ در تنهایی نیست، دور از دیگران.

خورشید که آرام، آرام باقیمانده نورش را از نوک کوهها جمع می‌کرد دانست که غروب نزدیک است. شبی ترسناک و هول‌آور را در پیش داشت. هنوز خیلی به شب مانده انگار صدای زوزه گرگ‌های گرسنه را می‌شنید گرگ‌هایی با دندان‌های تیز بران.

سرش را که چرخاند و به آسمان نگاه کرد، درخشندگی نور خورشید را در پهنة آسمان دید. تیش در زیر بار سنگین کوفته شده بود. در چرخش سر به سوی شبی در زیر باقی مانده نورخورشید که هنوز نیمه جانی داشت درخشید اما دورتر از او بود.

دستش به موبایل نمی‌رسید.

سرسر را به هر دستو چرخاند برای یافتن تخته پاره‌ای، چوبی، میله‌ای. کمی دور از او چوب نازک و خشکیده‌ای بود. تا آن جا که توانست دستش را دراز کرد.

چوب که در دستش جای گرفت لیخن زد. سعی کرد خودش را جلو بکشد تا دستش به موبایل برسد اما تنشاش زیر بار ماشین بود. چوب را کشید طرف موبایل، آرام آن را تکان داد، یکبار دیگر چوب را حرکت داد. موبایل نزدیکتر شد، حالا دستش به موبایل می‌رسید. حالا می‌توانست به همه جا زنگ بزند و کمک بخواهد. سرش را که بالا برد آسمان. آیینه روشن چشم‌هایش شد و فریادش، فریاد شادمانه‌اش زیر سقف آبی آسمان پیچید.

دهم تیرماه

روز صنعت و معدن

گرامی باد

چشم انداز ایپاسکو تا سال ۱۴۰۴:

- ✓ یک شرکت کارآمد در استخراج و فرآوری
- ✓ یک شرکت نوآور در توسعه مواد معدنی
- ✓ یک شرکت معدنی مرجع در اکتشاف



شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران